

بررسی تحلیلی مبانی ارزش‌شناختی تعلیم و تربیت اسلامی از منظر استاد مطهری به منظور تدوین الگوی مدرسه‌ی مطلوب

لیلا میرزائی^۱

سعید بهشتی^۲

محسن ایمانی نائینی^۳

چکیده

این پژوهش، با هدف معرفی الگوی مدرسه‌ی مطلوب براساس تحلیل مبانی ارزش‌شناختی استاد مطهری (ره) به نگارش درآمده است. نوع پژوهش، پژوهش تربیتی از نوع بنیادی-کاربردی و روش مورد استفاده، تحلیلی-استنباطی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای (واقعی و مجازی) اطلاعات جمع‌آوری و ابزار گردآوری اطلاعات نیز فیش‌برداری است. ابتدا مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی، الگو، ارزش‌شناختی و مدرسه‌ی مطلوب تعریف و سپس مبانی ارزش‌شناختی از منظر شهید مطهری (ره) مورد بررسی قرار گرفته و استخراج شده است و در ادامه الگوی مدرسه‌ی مطلوب با نگاه تحلیلی به مبانی ارزش‌شناختی استاد، استنباط و ترسیم شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که: از منظر استاد مطهری، مدرسه‌ی مطلوب، مدرسه‌ای است که انسانیت، پذیرش ارزش‌ها در فضایی آکنده از آرامش، تکریم و احترام فراگیران، آموزش رفتاری توأم با تدبیر و تأمل در مقابل ارزش‌ها، مادی نبودن صرف ارزش‌ها، تدوین اهداف ارزشمند و پرجاذبه، توأم بودن علم و عمل، اخلاق‌محوری، پرورش انسان‌های صاحب‌درد دوری از حق، طالب کمال مطلق، پرورش مصلحان اجتماعی عابد و عالمان مصلح اجتماعی، انسان‌های آزاده، مسئولیت‌پذیر، تقویت اراده‌ی دانش‌آموزان، عدالت‌محوری، احقاق حق، تقویت عاطفه‌ی به‌جا و توجه به برنامه‌های عبادی، تقویت و پرورش جنبه‌های هنری و خلاقیت و درس شرف و انسانیت و معنویت و تعادل در ارزش‌ها از جمله آموزه‌های مدرسه‌ی مطلوب می‌باشد.

واژگان کلیدی

فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، ارزش‌شناختی، مطهری، الگو، مدرسه‌ی مطلوب.

۱. دانشجوی دکتری رشته‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.

Email: L.mirzaei@yahoo.com

۲. استاد و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی، (نویسنده مسئول).

Email: S-beheshti@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس.

Email: Imanio2@Gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۴

طرح مسأله

تعلیم و تربیت، مهم‌ترین بخش تعلیمات و معارف ادیان آسمانی، به خصوص دین مبین اسلام را تشکیل می‌دهد. در تاریخ آموزش و پرورش نیز برنامه‌ریزان همواره در جست‌وجوی شاخص‌ها و استانداردهای مدرسه‌ی مطلوب بوده‌اند. به عبارتی تاسیس و آماده‌سازی مدارس مطلوب، از دغدغه‌های همیشگی همه‌ی نظام‌های آموزشی بوده است. اگر کشوری بخواهد به عزت‌مادی، به سعادت معنوی، به سیطره‌ی سیاسی، به پیشروی علمی و به آبادانی زندگی دنیا دست پیدا کند، باید به آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی بپردازد. در این میان، مطالعه‌ی تاریخ تفکرات و اندیشه‌های حکما، اندیشمندان و فلاسفه‌ی تعلیم و تربیت، به جهت استخراج فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و محل تأمل و گفت‌وگوی پژوهشگران واقع شده است.

با مطالعه‌ی آرا و افکار متعدد فلسفی درمی‌یابیم که هر یک از آن‌ها روش خاصی را جهت تعلیم و تربیت انسان ارایه کرده و با توجه به اهداف از پیش تعیین شده، برنامه‌های خود را در قالب باید‌ها و نباید‌ها به آحاد جامعه ترویج می‌دهند. شهید مطهری، بدون شک یکی از برجسته‌ترین متفکران جهان اسلام است. اهمیت ایشان در جامع‌الاطراف بودن و روش‌مند بودن نظام فکری اوست. همواره فلاسفه، اساسی‌ترین نقش را در تدوین مکاتب تربیتی ایفا کرده‌اند. آنان با ارایه‌ی نظام مشخصی که بخشی از آن، برگرفته از نحوه‌ی تفکرشان نسبت به ارزش‌ها بوده است، درصدد تبیین آرای تربیتی برآمده‌اند. در واقع کسانی که در تعیین مکاتب و اهداف تربیتی سهیم بوده‌اند، یا فیلسوف بوده‌اند و یا از تفکر فلسفی حاکم بر زمان خود پیروی کرده‌اند. هدف از این تحقیق، ارایه‌ی الگوی مدرسه‌ی مطلوب بر اساس تحلیل مبانی ارزش‌شناختی شهیدمطهری می‌باشد تا بتوان بستر اجرایی روشنی برای دیدگاه‌های این متفکر اسلامی پدید آورد و بر اساس مبانی ارزش‌شناختی ایشان، نظام مطلوب مدرسه را ترسیم نمود. سئوالات پژوهش عبارت است از: مبانی ارزش‌شناختی ازمنظر استاد مطهری چیست؟ الگوی مدرسه‌ی مطلوب، براساس مبانی ارزش‌شناختی استاد مطهری چه ویژگی‌هایی دارد؟

بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان داد که: بانسی (۱۳۸۸) به بررسی اهداف نظام تعلیم و تربیت از دیدگاه استاد مطهری پرداخته است. بصیری‌خواه (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان داده است که: به عقیده‌ی استاد، رئالیسم اسلامی دارای یک نظام تربیتی خاص است که برجهان‌بینی آن متکی است و توحید، اساس و پایه‌ی جهان‌بینی آن است. جمشیدی (۱۳۹۲) به هستی‌شناسی فرهنگی استاد مطهری پرداخته است. خرم‌آبادی (۱۳۹۵) با پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که: عمل به ارزش‌شناسی استاد می‌تواند جامعه را در مسیر رشد و بالندگی و کمال قرار

دهد. خضرای (۱۳۹۵) با بررسی روش‌های تعلیم و تربیت استاد مطهری، به روش الگویی، تذکر، موعظه، نصیحت، تکریم و احترام که برخاسته از ویژگی‌های ذاتی و فطری انسان است می‌رسد. شمشیری و دوستداری (۱۳۸۹) پس از تعریف تربیت و اخلاق از منظر شهید مطهری، هدف از تربیت اخلاقی استاد را دستیابی به سعادت و کمال عنوان می‌کنند. صاحبکار (۱۳۸۸) ماهیت انسان را از دیدگاه استاد مطهری، در پذیرش اصالت روح انسان معرفی می‌کند. صالحی و همکاران (۱۳۹۴) در نگاهی جامع به تعلیم و تربیت استاد مطهری، می‌نویسند: "استاد، بر پرورش انسان مقرب الهی تاکید دارد و پرورش نیروی فکر، حسّ مسئولیت اجتماعی، نیروی ایمان، حسّ زیباگرایی، نیروی اراده و اختیار و پرورش جسم از جمله اهداف تعلیم و تربیت استاد مطهری می‌باشند. ملکی (۱۳۹۰) اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه استاد مطهری را ارایه نموده و می‌نویسد: در تربیت اسلامی هدف غایی، الهی شدن آدمی است.

از مجموع آن چه که در باب تحقیقات در خصوص موضوع مورد پژوهش آمد، چنین استنباط می‌گردد که، به جز یک مورد که مبانی فلسفی استاد را به طور کامل در هر چهار مبنا مورد مطالعه و بررسی قرار داده است، مابقی محققان هر یک، به تنهایی یا به اصول تعلیم و تربیت از منظر استاد پرداخته‌اند یا اصول و اهداف و روش‌ها، عدّه‌ای دیگر از محققان نیز فقط ارزش‌شناختی یا انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی استاد را مورد مطالعه قرار داده و تنها یک تحقیق به جهان‌شناختی آن هم، فقط جهان‌شناختی فرهنگی استاد پرداخته است. در هیچ یک از تحقیقات به ارایه‌ی مدلی مطلوب از مدرسه با نگاه همه‌جانبه به مبانی فلسفی ارزش‌شناختی استاد مطهری نپرداخته‌اند. از این‌رو محقق در این مقاله با نظر به ضرورت ارایه‌ی الگویی کاملاً اسلامی برای مدارس، براساس استنتاج از مباحث مرتبط با مبانی فلسفی ارزش‌شناختی استاد مطهری، الگویی نه تنها برای ایران، بلکه جهت استفاده در سایر جوامع اسلامی ارایه داده است.

۱. مبانی نظری و روش‌شناسی

در بحث از روش‌های پژوهش، حرکت بشر از روش‌های سازمان‌نایافته به روش‌های کمی، از روش‌های کمی به روش‌های کیفی و سپس روی‌آوری به روش‌های ترکیبی و آمیخته حائز توجه است. گرچه نمی‌توان همه‌ی این حرکت را یک خط سیر دانست و آن را سرنوشت محتوم همه‌ی علوم قلمداد کرد، اما دست‌کم تمایل امروز حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی به روش‌های سازمان‌یافته و ترکیبی را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. معرفی روش‌های کیفی در حوزه‌ی تعلیم و تربیت که به طور ذاتی تحقیقات آن با این گونه روش‌ها، قابل انجام است با محدودیت‌های بیشتری مواجه بوده است. حامیان تصوّر کمی‌نگر، که روش را مساوی با اندازه‌گیری می‌دانند، هر چند دقت لازم‌ی هر روش پژوهشی است، اما مغالطه‌ای که در این معادله روی داده است، این است که دقت، تنها به دقت کمی فرو کاسته شده، در حالی که عدد

تنها گونه‌ای از دقت، آن هم در برخی عرصه‌ها فراهم می‌آورد. دقت‌های مفهومی و منطقی، گونه‌ی دیگری از دقت را به نمایش می‌گذارند که نمی‌توان آن‌ها را به جامه‌ی عدد درآورد و با این حال جای آن‌ها در عالم اندیشه و پژوهش، جایی محکم و غیرقابل حذف است. بنابراین نباید انتظار داشت که در عرصه‌ی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت با جنبه نظری و فلسفی ویژه‌ی آن، روش‌های پژوهش به زبان اعداد بیان شود. (باقری، ۱۳۸۷: ۴۸-۴۷). در پژوهش حاضر، نوع پژوهش، تربیتی از نوع بنیادی-کاربردی و روش مورد استفاده، تحلیلی-استنباطی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای (واقعی و مجازی) اطلاعات جمع‌آوری و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پیش‌برداری است.

۱-۱- تعاریف:

الف. فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی

فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، یکی از علوم فلسفی است که با روش تعقلی به بررسی و تبیین مبادی تصدیقی تعلیم و تربیت می‌پردازد (بهشتی، ۱۳۷۷: ۷). به عبارتی، یکی از علوم فلسفی یا فلسفه‌های مضاف است که با روش تعقلی و استدلالی به تحلیل، تبیین و اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت اسلامی می‌پردازد. به عبارت روشن‌تر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی، تحلیل و تبیین عقلانی و برهانی مبانی فلسفی تعلیم و تربیت اسلامی است (بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۷۷).

ب. الگو

الگو باز نمودی از واقعیت است که ساحت و انتظام ویژه‌ای دارد. الگوها اغلب برای کمک در به تصویر کشیدن انتزاعیات و امور غیرقابل دید مورد استفاده قرار می‌گیرند. الگو کمک می‌کند فرایند، به عناصر تشکیل دهنده‌ی اثر آن تجزیه شود. این کنش، کار مطالعه و بحث درباره‌ی یک پدیده را آسان می‌کند. از این رو الگو، نمودی بین پدیده‌ای است که به شکل کلامی، گرافیکی، فیزیکی و نمادین تحقق می‌یابد (آقازاده، ۱۳۹۰: ۷۲). در پژوهش حاضر، الگو به عنوان "مدلی مفهومی" با هدف ساده‌سازی و قابل فهم کردن مفاهیم انتزاعی مبنای ارزش‌شناختی استاد مطهری و ارایه‌ی الگوی مدرسه‌ی مطلوب بر اساس مبنای مذکور در نظر گرفته شده است.

ج. مدرسه‌ی مطلوب

مدرسه‌ی مطلوب فضای اجتماعی (جامعه‌ای) هدفمندی است که از طریق زنجیره‌ای از موقعیت‌ها، فرصت حرکت رشدیابنده و تعالی‌بخش را برای متریبان فراهم می‌سازد، که در آن شایستگی‌های لازم برای درک و بهبود موقعیت خود و دیگران از طریق یادگیرهای رسمی و غیر رسمی کسب می‌شود. به طور کلی برخوردار از حیات طیبه و تحقق جامعه‌ی صالح، نیازمند مدرسه‌ی صالح است و در فلسفه‌ی تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، تعبیر

مدرسه‌ی صالح، به عنوان جلوه‌ی جامعه‌ی صالح برای مدرسه‌ی مطلوب انتخاب گردیده‌است (سند تحول بنیادین در نظام جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۲۷۸). در تحقیق حاضر مراد از مدرسه‌ی مطلوب، الگوی مدرسه‌ای است که با تحلیل مبانی ارزش‌شناختی استاد مطهری ترسیم خواهد شد.

د. ارزش‌شناختی

یکی از مبانی فلسفی و متعلق ادراکی عملی عقل نظری است، که چهارمین هدف واسطه‌ای تربیت عقلانی به شمار می‌آید (بهشتی، پیشین: ۱۶۲). در پژوهش حاضر، مبانی ارزش‌شناختی استاد مطهری مورد نظر می‌باشد.

یافته‌ها:

۱-۲- مبانی ارزش‌شناختی از منظر استاد مطهری (ره)

الف. درد قرب حق

استاد مطهری می‌فرماید: "چیزهایی که به آن‌ها ارزش انسانی گفته می‌شود و معنویات انسانی و ملاک انسانیت انسان است، شامل خیلی چیزها است، ولی می‌توان همه‌ی ارزش‌ها را در یک ارزش خلاصه کرد و آن، درد داشتن و صاحب درد بودن است. چرا که انسان حقیقتی است که از اصل خود جدا شده و دور مانده و از دنیای دیگر برای انجام رسالتی آمده است و این دور ماندگی از اصل است، که در او شدت و عشق و ناله و احساس غربت آفریده است. درد انسان طبق مکتب اسلام فقط درد خداست، درد دوری از حق است و میل او میل بازگشت به قرب حق و جوار رب‌العالمین است و انسان به هر مقام و کمالی برسد باز احساس می‌کند که به معشوق خود نرسیده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۷۹ ° ۸۰).

ب. عبادت

انسان عاشق کمال مطلق است و عاشق هیچ چیز دیگری نیست. یعنی عاشق ذات حق است. عاشق خداست. همان کسی که منکر خداست، عاشق خداست. حتی منکرین خدا نمی‌دانند که در عمق فطرت خود عاشق کمال مطلق اند، ولی راه را گم کرده‌اند، معشوق را گم کرده‌اند. پیغمبران نیامده‌اند که عشق خدا و عبادت خدا را به بندگان یاد دهند، این فطری هر انسانی است، بلکه آمده‌اند که راه‌های کج و راست را نشان دهند. آمده‌اند بگویند: ای انسان، تو عاشق کمال مطلق، ولی اشتباه می‌کنی. درد انسان آن درد خدایی است که اگر پرده‌های اشتباه از جلو چشمش کنار رود و معشوق خود را پیدا کند، به صورت همان عبادت‌های عاشقانه‌ای درمی‌آید که در علی(ع) سراغ داریم. قرآن عجیب سخن می‌گوید: ای اهل ایمان، از نماز استمداد کنید و مدد بگیرید و از صبر که مفسرین گفته‌اند: مقصود، روزه است یا حداقل روزه، یکی از اقسام صبر است. چه مددی است که می‌توانیم از نماز بگیریم؟ چه مددی است که از عبادت خدا و

خداپرستی می‌توانیم بگیریم؟ هر مددی که از این جا می‌شود، می‌توان گرفت. اگر شما می‌خواهید در اجتماع یک مسلمان واقعی باشید و می‌خواهید یک مجاهد نیرومند باشید، باید نمازخوان خالص و مخلص باشید. اخلاص، یعنی عمل فقط برای خدا باشد، اغراض دیگر وارد نشود (۱۳۴).

ج. خدمت به خلق خدا، مادر دوم ارزش‌ها

یکی از ارزش‌های قاطع و مسلم انسان که اسلام آن را صد در صد تأیید می‌کند و واقعا ارزش انسانی است خدمتگزار خلق خدا بودن است. در این زمینه پیغمبر اکرم (ص) زیاد تأکید فرموده است. خدمت به انسان، ارزش والایی است، ولی انسان به شرط انسانیت. علی (ع) می‌فرماید: اگر من این جا شکم خود را سیر کنم، شاید در عراق و کوفه و یمامه و سواحل خلیج فارس و در حجاز کسانی باشند، که امید به یک قرص نان را هم نداشته باشند. به این می‌گویند درد خلق خدا، این را می‌گویند معیار انسانیت و به تعبیر صحیح‌تر مادر دوم ارزش‌ها (مطهری، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۱). از نظر معیارهای اسلامی، انسان، کسی است که درد خدا را داشته باشد و چون درد خدا را دارد، درد انسان‌های دیگر را هم دارد. پیغمبر (ص) حریص نجات مردم است. حریص بهبود بخشیدن به دردهای مردم است. این می‌شود درد خلق داشتن (مطهری، ۱۳۹۵: ۶۹-۷۱).

د. آزادی

آزادی، یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است و به تعبیر دیگر جزء معنویات انسان است. آزادی برای انسان، ارزشی مافوق ارزش‌های مادی است. انسان‌هایی که بویی از انسانیت برده‌اند حاضرند با شکم گرسنه و تن برهنه و در سخت‌ترین شرایط زندگی کنند، ولی در اسارت یک انسان دیگر نباشند. محکوم انسان دیگر نباشند و آزاد زندگی کنند. اما بعضی افراد می‌گویند بشریت و بشر یعنی آزادی و غیر آزادی ارزش دیگری وجود ندارد. یعنی می‌خواهند تمام ارزش‌ها را در این یک ارزش که نامش آزادی است محو کنند. اما آزادی تنها ارزش نیست، ارزش دیگر عدالت است، ارزش دیگر حکمت است، ارزش دیگر عرفان است. آزادی، یکی از بزرگ‌ترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی است (مطهری، ۱۳۷۳: ۴۸).

درد جامعه‌ی بشری امروز این است که آزادی اجتماعی را تأمین می‌کند، ولی به دنبال آزادی معنوی نمی‌رود، یعنی نمی‌تواند، قدرتش را ندارد. چون آزادی معنوی را جز از طریق نبوت انبیا، دین، ایمان و کتاب‌های آسمانی، نمی‌توان تأمین کرد (مطهری، پیشین: ۱۹). برترین نوع آزادی، آزادی معنوی است. چنان که این نوع آزادی در انسان نباشد، انسان به دیگر انواع آزادی نائل نخواهد شد. اما آن چه مقدم بر این‌هاست، نجات انسان از خودی خود و از نفس امّاره‌ی خود است، تا انسان از خود محدود خودش نجات پیدا نکند، هرگز از اسارت طبیعت و اسارت انسان‌های دیگر نجات پیدا نمی‌کند (همان: ۹۸).

تفاوتی که میان مکتب انبیا و مکتب‌های بشری هست، در این است که پیغمبران آمده‌اند

تا علاوه بر آزادی اجتماعی، به بشر آزادی معنوی بدهند و آزادی معنوی است که بیشتر از هر چیز دیگر ارزش دارد. آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست. (مطهری، ۱۳۹۵: ۳۰۹-۳۱۱).

ه. احقاق حق

در اسلام صحبت عقیده نیست، صحبت حق است و زندگی این است که انسان حق را پیدا کند و در راه حق، جهاد کند (مطهری، پیشین: ۲۰۶ ° ۲۰۹). از نظر اسلام حق هم گرفتنی است و هم دادنی. یعنی از دو جبهه باید برای استیفای حق مبارزه کرد. اسلام آن کسی را که حق را ربوده است، با تعلیم و تربیت خودش آماده‌ی پس دادن می‌کند، ولی به این قناعت نمی‌کند. در عین حال به آن کسی که حَقِّش ربوده شده می‌گوید: حق گرفتنی است. تو هم باید برای حق خودت قیام کنی و آن را بگیری. امام علی(ع) در نامه‌ی معروف خودشان به مالک‌اشتر از پیغمبر(ص) نقل می‌کند: «هیچ اُمَّت و قومی به مقام قداست و تقدیس و به مقام ترقی نمی‌رسد، مگر آن که قبلا این مرحله را گذرانده باشد که ضعیف در مقابل قوی بایستد و حق خود را مطالبه کند، بدون آن که زبانش به لکنت بیافتد (۲۳۷).

و. قدرت و شجاعت

اسلام قدرت را تبلیغ کرده است، اما قدرتی که نه تنها قدرت نیچه‌ای نیست، بلکه قدرتی است که از آن همه‌ی صفات عالی انسانیت مانند: مهربانی و رحم و شفقت و احسان برمی‌خیزد. شجاعت، در اسلام یک حقیقت ممدوح است. در آن حد قدرت داشتن که کسی نتواند، انسان را خوار و ذلیل کند در اسلام، امری ممدوح است (۲۲۹-۲۳۱). پیغمبر اکرم(ص) می‌فرماید: "دو چیز برای مومن سزاوار نیست، یکی بخل و دیگری ترس." حضرت علی(ع) درباره‌ی مومن می‌فرماید: "مومن، روحش از سنگ خارا سخت‌تر و محکم‌تر است." علی(ع) در نهج‌البلاغه چه قدر دعوت به قوت و قدرت کرده است و ضعف را شایسته‌ی جامعه‌ی اسلامی نمی‌داند (۲۳۳-۲۳۵). پس در اسلام، قدرت ستایش شده اما قدرت و توانایی یک ارزش از ارزش‌های انسانی در کنار چندین ارزش دیگر است. در اسلام قدرت، یک ارزش از مجموعه‌ی چندین ارزش متعادل در انسان است. وقتی این ارزش در کنار سایر ارزش‌ها قرار گرفت، آن وقت شکل دیگری پیدا می‌کند (۲۳۹-۲۴۰).

آدمی که دلش می‌خواهد دائما از همه‌ی مردم انتقام بگیرد و بد همه‌ی مردم را می‌خواهد و آن کسی که سادیسیم دارد و همیشه می‌خواهد آزارش به دیگران برسد، کارهایش از قدرت نیست، بلکه ناشی از ضعف است. انسان هر چه مقتدرتر باشد، حسد و کینه‌اش کمتر است. امام حسین "علیه السلام" می‌فرماید: "إن المقدرَةَ تذهب بالحفیظة" قدرت، کینه را از بین می‌برد. یعنی وقتی انسان در خود احساس قدرت کند، نسبت به دیگران کینه ندارد. در نقطه‌ی مقابل، آدم

ضعیف است که همیشه کینه‌ی دیگران را در دل دارد، آدم ضعیف است که همیشه نسبت به دیگران حسادت می‌ورزد. انسان قوی و مقتدر و یک روح مقتدر، هرگز غیبت نمی‌کند. پس در مکتب اسلام، بدون شک قدرت، یک ارزش و یک کمال انسانی است. اما اسلام، تنها ارزش انسان را قدرت نمی‌داند و در کنار آن، به ارزش‌های دیگری هم قائل است و ثانیاً تعبیر قدرت در اسلام با تعبیری که آقای نیچه و سوفسطائیان و ماکیاول و امثال این‌ها از قدرت می‌کنند متفاوت است. اسلام، قدرتهایی را تقویت و تحکیم می‌کند که خیر جامعه در آن است (مطهری، ۱۳۹۲: ۶۴-۵۶).

ز. عدالت

قرآن، اصل عدالت را می‌پذیرد و بلکه فوق‌العاده برای آن اهمیت و ارزش قائل است. ولی نه به عنوان این که عدالت هدف نهائی است و یا این که عدالت مقدمه است، برای این که انسان در این دنیا خوش زندگی کند، بلکه زندگی خوش دنیا را هم در سایه‌ی نوعی توحید عملی و مقدمه‌ی آن می‌داند (مطهری، پیشین: ۸۵). بحث جبر و اختیار خود به خود "بحث عدل" را به میان می‌آورد. زیرا رابطه‌ی مستقیمی است میان اختیار و عدل از یک طرف و جبر و نفی عدل از طرف دیگر (مطهری، پیشین: ۱۴).

ح. اراده

پیامبر اکرم (ص) خطاب به جوانان مسلمان که کدام یک قوی‌تر و زورمندتر هستند، می‌فرماید: "من معیاری به دست شما می‌دهم که کدام یک از شما قوی‌تر هستید؟ فرمود: کسی که نفسش او را به سوی معصیتی ترغیب کند و در او میل معصیت باشد و در مقابل آن میل ایستادگی کند، این که انسان از چه چیزی خوشش بیاید و گناه و معصیت باشد؛ ولی در مقابل نفس خود ایستادگی کند. پیغمبر (ص) در این جا، قدرت اراده را در مقابل میل نفسانی مطرح کردند. زور فقط این نیست که انسان سنگی را از زمین بردارد و قدرت، فقط این نیست که وزنه‌ی بسیار سنگینی را به دوش کشد. این یک نوع قدرت است که قدرت عضلانی است. قدرتی است که در عضلات حیوان‌ها هم وجود دارد و وجه مشترک انسان و حیوان است. نه این که بخواهم بگویم این نوع قدرت، کمال نیست. زور هم برای انسان یک کمال است ولی بالاتر از قدرت عضلانی قدرت اراده است. قدرت اراده این است که انسان بتواند در مقابل نفسانیات خود ایستادگی و مقاومت کند و باز پیغمبر (ص) فرمود "أَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاءَهُ" از همه‌ی مردم، شجاع‌تر و دلاورتر و دلیرتر آن کسی است که بر هوای نفس خود پیروز شود (همان: ۲۶-۳۲).

ط. زهد و تقوا

معنویت، از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی است و بشریت منهای معنویت امیدی به بقایش نیست و خودش و تمدنش را که در آن قرار گرفته، به دست خود نابود خواهد کرد (بهشتی، ۱۳۹۳: به نقل از مطهری: ۱۵۴). اسلام نمی‌گوید: مالکیت را از بین ببر تا من‌ها تبدیل به «ما» شوند. اسلام می‌گوید: انسان را بساز، انسان را خوب تربیت کن، به انسان ایده‌های عالی و والا بده که فرضاً مالک اشیاء هم باشد، اشیاء به او تعلق داشته باشند، او دیگر به اشیاء تعلق ندارد و بنده‌ی اشیاء نیست و آزاد است. انسان‌هایی در دنیا بوده و هستند که مالک اشیاء می‌باشند، ولی تربیتشان یک نوع تربیتی است که مملوک و بنده و اسیر اشیاء نیستند. زهد به معنی واقعی همین است. ترک دنیا در مفهوم نهج‌البلاغه‌ای همین است. یعنی آزاد زیستن از دنیا و بنده‌ی دنیا نبودن. تقوا به فرموده‌ی حضرت امیرالمومنین علی(ع)، دوا‌ی بیماری دل‌های شما و شفای مرض بدن‌های شما، درستی خرابی سینه‌های شما و مایه‌ی پاک شدن نفوس شما است (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۸-۱۹).

ی. مسئولیت

آدمی اگر بخواهد از قید تکالیف و حقوق، خود را آزاد بداند، باید قبلاً از انسانیت استعفا بدهد و جزو جمادات و یا نباتات و حداقل جزو حیوانات درآید تا بتواند از آن چه از همه‌ی انسانیت و شرط انسانیت است، یعنی قبول وظایف و تکالیف و حقوق، خود را آزاد سازد. استاد مطهری، با بهره‌گیری از اولین خطبه‌ای که حضرت علی(ع)، پس از قبول خلافت ایراد فرموده‌اند، به تبیین حدود مسئولیت انسان پرداخته و می‌فرماید: انسان به حکم همان استعداد و شایستگی فطری، از یک طرف استحقاق بزرگی برای استفاده از مواهب خلقت دارد و از طرف دیگر، مسئولیت عظیمی نسبت به همه‌ی موجوداتی که در اختیار اوست، از جماد و نبات و حیوان تا چه رسد به مسئولیت‌های عظیمی که نسبت به انسان‌هایی مانند خود دارد (مطهری پیشین: ۱۰۶-۱۰۷).

ک. علم

علم و قدرت بر همه‌ی اشیاء، مقدمه است نه اصل و هم چنین است تزکیه‌ی نفس، همه‌ی این‌ها هدف ثانوی است. هدف است برای یکی و وسیله است برای دیگری (مطهری، ۱۳۷۲: ۸۵). در دنیا، تحولی به وجود آمده که همه‌ی کارها بر پاشنه‌ی علم می‌چرخد و چرخ زندگی بر محور علم قرار گرفته است. همه‌ی شئون حیات بشر با علم وابستگی پیدا کرده، به طوری که هیچ کاری و هیچ شانی از شئون حیاتی بشر را جز با کلید علم نمی‌توان انجام داد. اسلام نه عالم بی‌دین می‌خواهد، نه جاهل دین دار. به هر حال اگر ما می‌خواهیم، دین صحیح داشته باشیم، اگر می‌خواهیم از فقر رهایی یابیم، عدالت در میان ما حکم‌فرما باشد، آزادی و دموکراسی داشته باشیم و جامعه‌ی ما به امور اجتماعی علاقه‌مند باشد، منحصرراً راهش علم است و علم. (مطهری،

۱۳۶۱: ۱۵۳-۱۵۲).

ل. تعادل در ارزش‌ها

گاهی بعضی از ارزش‌ها، ارزش‌های دیگر را از بین می‌برند. اگر بنا باشد از جاده‌ی معتدل اسلام خارج شویم، چه فرقی می‌کند، که عبادت‌گرایی جامعه‌گریز باشیم یا جامعه‌گرایی خداگریز؟ در منطق اسلام، هیچ فرق نمی‌کند. قرآن هر دو گرایش را توأم با یکدیگر ذکر کرده است. آن‌جا که جنبه‌های خدایی این دسته را ذکر می‌کند، عبادت‌کنندگان، ستایش‌کنندگان، روزه‌گیران، راکعان، ساجدان، بلافاصله پس از آن می‌گوید: همان‌ها که مصلح جامعه‌ی خود هستند و در جامعه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. بنابراین در اسلام، این گرایش‌ها از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیست. کسی که یکی از این‌ها را استخفاف کند، دیگری را هم استخفاف کرده است (همان: ۸۴-۸۶).

ما نمی‌توانیم در همه‌ی ارزش‌ها قهرمان باشیم، ولی در حدی می‌توانیم همه‌ی ارزش‌ها را با یکدیگر داشته باشیم. اگر انسان کامل نیستیم بالاخره یک انسان متعادل باشیم. آن وقت است که ما به صورت یک مسلمان واقعی در همه‌ی میدان‌ها در می‌آییم (۵۱-۵۰). اسلام تک ارزشی نیست، چشمی دارد که همه‌جا را می‌بیند، آن‌جا را که فلاسفه دیده‌اند اسلام بیش از فلاسفه دیده است. آن‌جا را که عرفا دیده‌اند، اسلام بهتر دیده است. آن‌جا را که مکتب محبت می‌بیند، اسلام بیشتر دیده، آن‌جا را که مکتب قدرت دیده است، اسلام بهتر دیده و آن‌جا را که مکتب اجتماعی دیده، اسلام بهتر دیده (مطهری، پیشین: ۳۱۳).

۳. مدرسه‌ی مطلوب بر اساس مبانی ارزش‌شناختی شهید مطهری

۱- مدرسه‌ی مطلوب، به عنوان یک ارزش سعی در تربیت انسان‌های دردمند دارد. این مدرسه، فراگیران و کارگزاران مدرسه را صاحب درد تربیت می‌کند. آن هم درد دوری از حق تعالی. در این مدرسه درد داشتن انسان، به عنوان یک ارزش مطرح است. بنابراین برنامه‌هایی تدارک دیده می‌شود، که همگان درد دوری از حق و تمایل به قرب حق را حس کنند. این ویژگی از بحث استاد در ارتباط با ارزش‌های انسانی، استنتاج شده است. در مباحث تربیتی مدرسه‌ی مطلوب، سپاس‌گزاری از خداوند از جمله ارزش‌های مورد آموزش می‌باشد. نیایش و رسیدن به آرامش از قبیل آن، از برنامه‌های مهم این مدرسه است. یافته‌ها نیز نشان می‌دهند که انسان‌های با ایمان، در اوج و حضيض‌های زندگی از جسم و روان سالم‌تری برخوردارند. این نسخه‌ای است که هم برای فراگیر، هم والدین و هم معلمین در این مدرسه کاربرد دارد. استاد مطهری در بحث انسان و ارزش‌ها، از ارزش سپاس‌گزاری صحبت می‌کند و سپاس‌گزاری را آن زمان ارزش بیان می‌نماید که در آن انسان، فقط و فقط خدا را می‌بیند و بس.

۲- در این مدارس، براساس آن‌چه از آیات قرآن برمی‌آید، به جای تاکید بر تبلیغات بیرونی

و اجبار و اکراه در پذیرش ارزش‌ها، سعی در ایجاد فضایی آکنده از آسایش و آرامش روحی و روانی می‌نمایند. ویژگی مذکور از مباحث استاد، پیرامون آزادی و اراده در انسان و نیز از اصل تکریم و احترام ایشان استنباط شده است.

۳- در مدرسه‌ی مطلوب، ارزش‌ها با تقلید کورکورانه منتقل نمی‌شوند، بلکه عقلانیت از ویژگی خاص این مدرسه می‌باشد و زمینه‌هایی فراهم می‌شود تا فراگیران در مقابل ارزش‌ها، رفتاری توأم با تدبّر و تأمل و تفکر داشته باشند. ویژگی فوق از توضیحات استاد در ارتباط با سندیت و اعتبار و ارزش عقل در اسلام، استنباط شده است.

۴- در مدرسه‌ی مطلوب، ارزش‌ها فقط بر پایه‌ی امور مادی بنا نمی‌شوند. در این مدرسه به فراگیران آموزش داده می‌شود که ارزش، فقط در نفع مادی نیست. این ویژگی مدرسه‌ی مطلوب، از فرموده‌های استاد(ره) استنباط شده است که در اسلام، لذّت فقط منحصر به لذّت مادی نیست، همان گونه که انسان از علم لذّت می‌برد. هر چند علم از جنس ماده نیست. در مدرسه‌ی مطلوب، اهداف ارزشمند معنوی برای مدرسه، تدوین و تبیین می‌شود. زیرا اهداف ارزشمند می‌تواند باعث ارزشمندی فعالیت‌ها شود. در مدرسه‌ی مطلوب، هر چیزی ارزش، تلقی نمی‌شود. بلکه ارزش‌ها مقدّس هستند، بدین معنا که ارزش این را دارند، که فرد خود را و زندگی را فدای آن کند. ویژگی مذکور از این فرموده‌ی استاد استنتاج شده است، که کارهای بزرگ باید منتهای آرزوی انسان باشد. یک مکتب انسانی جامع، نمی‌تواند از ارزش‌های معنوی بی‌نیاز باشد. استاد می‌فرماید: "ایدئولوژی نیازمند ارزش‌های مافوق مادی است. در سایه‌ی ارزش‌های معنوی، اهدافی نهفته است که باعث ارزشمندی آن‌ها می‌شوند". در مدرسه‌ی مطلوب، سعی بر آن است که اهدافی را تدوین کنند که برای دانش‌آموزان و کارگزاران دارای جاذبه باشد. در غیر این صورت دانش‌آموزان به دنبال آن اهداف نخواهند رفت. این مبنای ارزش‌شناختی بر اساس تعریفی که استاد از مفهوم ارزش ارائه می‌دهد، برآورد شده است. ایشان معتقد است: هر کار اختیاری انسان در جهت یک هدف است. محال است انسان برای چیزی که جاذبه نداشته باشد، تلاش کند و به آن برسد.

۵- در مدرسه‌ی مطلوب، هم علم ارزشمند است و هم عمل. این مدرسه صرفاً علم‌آموزی نمی‌کند. از جانب دیگر صرفاً عمل‌گرا نیز نمی‌باشد. استاد می‌فرماید: معلومات، ما را در عمل هدایت می‌کنند و بین ادراکات ما و اشیای خارجی، رابطه‌ی مستقیم وجود دارد. کارگزاران مدرسه‌ی مطلوب به خوبی واقفند که تمام ایده‌ها و نظرات و آموزش‌ها در آموزش و پرورش، وابسته به نتایج عملی آن است.

۶- در مدرسه‌ی مطلوب، همان اندازه که به پرورش روح و روان فراگیران اهمیت داده می‌شود، به پرورش قدرت و توانایی ایشان نیز پرداخته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت: در این

مدرسه به بهداشت و نیز ساعات تربیت بدنی فراگیران توجه و در راستای توانمند شدن آن‌ها برنامه‌ریزی می‌گردد، اما باز هم نباید به افراط کشیده شود. ارزش‌گذاری و تلاش برای سلامت، نگهداری، و توانمندی بدن هم یک ارزش است، اما تا جایی که در راستای رشد و تکامل روح باشد.

۷- مدرسه‌ی مطلوب، مدرسه‌ای است، که گاهی با تدارک برنامه‌هایی، خیر رساندن به خلق خدا و کمک و محبت کردن به دیگران را به عنوان ارزش‌هایی مهم به دانش‌آموزان بیاموزد. در این مدارس، باید ایثار و مهربانی و رحمت را به کودکان و نوجوانان آموخت، ولی به ایشان گوشزد نمود، که اگر این ایثار و محبت برای خودنمایی و از روی خودخواهی باشد، دیگر ارزشی نخواهد داشت و با تمام این احوال دانش‌آموزان می‌آموزند که خدمت به خلق نیز مقدمه‌ای است، برای قرب به خدا. مریبان در برخوردهای فردی و گروهی خود به گونه‌ای رفتار می‌کنند که ویژگی‌های مهم اجتماعی مانند: همکاری، همیاری، ایثار، فداکاری، گذشت و خیرخواهی نسبت به دیگران و عدالت‌خواهی در آن‌ها تقویت شود. ویژگی مذکور، از بحثی که استاد(ره) تحت عنوان مادر دوم ارزش‌ها از آن نام می‌برد و آن را درد انسان نسبت به خلق خداوند می‌نامد، استنتاج شده است.

۸- در مدرسه‌ی مطلوب، آزاد بودن و زیر بار ذلت و خواری نرفتن از جمله مفاهیم مورد آموزش است. فراگیران می‌آموزند، آزاده باشند و مدرسه، محلی برای تمرین این ارزش انسانی است. معرفی الگوی انسان‌های آزاده، می‌تواند روشی برای این آموزش باشد. استاد در بخش ارزش‌های انسانی از آزادی به عنوان یکی از بزرگترین و عالی‌ترین ارزش‌های انسانی نام می‌برد.

۹- مدرسه‌ی مطلوب، در پی تربیت عالم صرف نیست. همان گونه که در پی تربیت عابد صرف نیز نمی‌باشد. در این مدرسه مصلحان اجتماعی عابد و عالم پرورش می‌یابند. این ویژگی از پاسخ استاد به آنان که بعضی ارزش‌ها را فدای ارزش‌های دیگر می‌کنند و عبادت‌گرای جامعه‌گریز یا جامعه‌گرای خداگریز پرورش می‌دهند، که در اسلام کاملاً مطرود می‌باشد، استنباط شده است.

۱۰- از دیگر ویژگی‌های مدرسه‌ی مطلوب، این است که متریبان، تمرین مسئولیت‌پذیری می‌کنند. مسئولیت در قبال خویش که همانا مسئولیت اخلاقی است و مسئولیت نسبت به دیگران حتی محیط‌زیست و جماد و نبات و حیوانات. تثبیت و تقویت روح جمع‌گرایی و دیگرخواهی از کارهای مهم این مدارس می‌باشد، که وظیفه‌شناسی اجتماعی و تربیت یک شهروند مسئول را در پی خواهد داشت. کارها و مسئولیت‌ها بین همه تقسیم شده و ترتیبی اتخاذ می‌گردد که هر کس به فراخور توانایی خود به کاری تن دهد. زیرا باور دارند که زندگی اجتماعی از پیش نیازهای حرکت انسان به سوی کمال است. ویژگی فوق، از مباحث استاد راجع به ارزش تکلیف و

مسئولیت استنباط شده است.

۱۱- در مدرسه‌ی مطلوب، تقویت قدرت اراده یکی از ارزش‌های انسانی محسوب می‌شود. خدای متعال آدمیان را به گونه‌ای آفریده است، که همواره خود را بر سر دو راهی‌ها می‌بینند. هر یک از این دو راهی‌ها، بی‌کران و مرزناپذیر است. آدم‌ها می‌توانند از دست‌مایه‌های خدادادی برای کمال و تعالی خود بهره‌گیرند و به سعادت جاودانه برسند، یا آن‌ها را در راه سقوط و وانهادگی خود به کار برند. ویژگی فوق، از فرموده‌ی استاد پیرامون ارزش قدرت اراده استنباط شده که فرموده است: "قدرت اراده، این است، که انسان بتواند در مقابل خواسته‌های نفسانی خود ایستادگی و مقاومت کند".

۱۲- عدالت محوری، ازاهمّ امور و فعالیت‌های کارگزاران مدرسه‌ی مطلوب می‌باشد. آن‌ها هم عدالت را اشاعه می‌دهند، هم انسان‌های عادل را به عنوان الگو به فراگیران معرفی می‌کنند و هم خود عادلانه رفتار می‌کنند و آن را مقدمه‌ی قرب خدا می‌دانند. استاد مطهری، در بحث و بررسی مفاهیم عدالت و ارزش عدالت در قرآن به این مهم پرداخته است.

۱۳- در مدرسه‌ی مطلوب، همان قدر که دانش‌آموزی که حق کسی را می‌گیرد مورد آگاهی واقع می‌شود، دانش‌آموز ضعیف نیز مورد تحسین و تایید نمی‌باشد. در این مدرسه آموزش داده می‌شود: حق هم گرفتنی است و هم دادنی. ویژگی مذکور از مباحث استاد، پیرامون ارزش احقاق حق در اسلام گرفته شده است.

۱۴- مدرسه‌ی مطلوب، اخلاق را از مهمترین شاخص‌های تربیتی خود قرار می‌دهد و معیارهای اخلاقی را ثابت می‌داند. کارگزاران این مدرسه اخلاق‌مداری در مدرسه را وجهه‌ی همّت خود قرار می‌دهند. استاد معتقدند اختلاف طرز فکر ملل در افکار اعتباری است، نه در حقایق و ایشان نسبت اخلاق را دروغ می‌دانند.

۱۵- در مدرسه‌ی مطلوب، تمام برنامه‌ها در جهت پرورش انسان متعادل است. دانش‌آموزان این مدارس باید در تمام دنیاها باشند. هم در دنیای عبادت، هم در دنیای مبارزه، هم در دنیای قضاوت. بدین معنی که تمام ارزش‌ها به صورت متعادل در ایشان رشد نماید. این ویژگی در معرفی انسان‌هایی که قهرمان همه‌ی ارزش‌های انسانی هستند، استنباط شده است.

نتیجه‌گیری

در تحلیل مبانی ارزش‌شناختی استاد مطهری، ویژگی‌هایی به شرح زیر برای مدرسه‌ی مطلوب استنباط می‌شود: تمام برنامه‌ها اعم از محتواهای درسی و فوق برنامه‌ها و روش‌های تدریس، باید بر آموزش مجموعه‌ای از ارزش‌ها استوار باشد، که بر مبنای جهان‌بینی اسلام بنا شده است. در آموزش ارزش‌ها، نباید خلایی دیده شود. در مدرسه‌ی مطلوب، ارزش هر فراگیری قبل از درجه‌ی علمی او به انسانیت او وابسته است. قبل از هر اقدامی اهدافی ارزشمند برای مدرسه تدوین می‌شود، اهدافی که مافوق ارزش‌های مادی است، اما در عین حال همین اهداف را به گونه‌ای برای فراگیران، تبیین می‌کنند، که دارای جاذبه نیز باشد تا گفتار و کردار خود را بر آن اهداف ارزشمند، استوار نمایند. در این مدرسه، فقط علم آموزی مد نظر نمی‌باشد. بلکه در پی آن اقدام و عمل نیز مطمح نظر است. اخلاق‌مداری را وجهه‌ی همّت خود قرار می‌دهند و به فراگیران آموزش داده می‌شود، که اخلاق نسبی نیست. خوب، در همه جا و همه‌ی زمان‌ها خوب است. در این مدرسه سعی در پرورش انسان‌های صاحب درد دارد. آن‌ها که درد اصلیشان، دوری از خداوند است. از آن‌جا که استاد، تفکر، خلاقیت و ابداع را یک اصل فطری می‌داند، محتوا و روش‌های تدریس، حول محور تقویت این اصول فطری باشد. برنامه‌های تربیت بدنی و پرورش جسم در مدارس به شکل جدی مورد تأکید قرار گیرد. با تدارک برنامه‌هایی ویژه، تمرین ایشار، محبت، مهربانی، جزء برنامه‌های ثابت مدارس قرار گیرد، چرا که می‌تواند مقدمه‌ای برای قرب الهی باشد. درس شرف و انسانیت و معنویت، اصل و اساس برنامه‌های مدارس باشد، نه صرفاً ارتقای معدل و امتیازات صوری دیگر. راز اداره‌ی مدارس بر مبنای محبت باشد، همان گونه که خداوند راز آفرینش را در محبت قرار داده است. مدارس، دانش‌آموزان را به عنوان قهرمانی در تمام ارزش‌ها تربیت کنند. به مسئولین و گزینش‌کنندگان مربیان توصیه می‌شود، مربیانی را که دغدغه‌ی دینی و اخلاقی ندارند، از بدنه‌ی آموزش و پرورش و مدارس حذف کنند. گفتنی است، که برنامه‌های توسعه‌ی تعلیم و تربیت خصوصاً در مدارس، اگر شامل فعالیت‌هایی هدفمند برای تحقق ارزش‌ها نباشد، برنامه‌هایی بی‌هوده و جز هدر دادن وقت و زحمت و بودجه چیز دیگری نخواهد بود، زیرا جهت‌دهنده‌ی اصلی دانش‌آموزان در فراگیری علم و تکنولوژی چیزی جز مباحث ارزشی نیست. می‌توان گفت: دستاورد اصلی و نو پژوهش حاضر، ارایه‌ی الگوی مدرسه‌ی مطلوب بر اساس مبانی مذکور است که در هیچ یک از پژوهش‌ها و مقالات نوشته شده توسط محققین پیشین به چشم نمی‌خورد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقازاده، محرم. (۱۳۹۰). تکنولوژی آموزشی بر پایه‌ی رویکرد ساخت‌گرایی، تهران: آبیژ.
۳. باقری، خسرو. (۱۳۸۷). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه.
۴. بانسی، سعید. (۱۳۸۸). تبیین نظام تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
۵. بصیری‌خواه، اسماعیل. (۱۳۹۱). اصول فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، ترجمه‌ی خدایار ابیلی، تهران: موسسه‌ی بین‌المللی.
۶. بهشتی، سعید. (۱۳۷۷). زمینه‌ای برای بازاندیشی در فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، ترجمه و تالیف سعید بهشتی، تهران: ویرایش.
۷. بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). تاملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: بین‌امل.
۸. تاجدینی، علی. (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت اسلامی در پرتو کلام استاد شهید مطهری، تهران: موسسه‌ی فرهنگی برهان: انتشارات مدرسه.
۹. جمشیدی، مهدی. (۱۳۹۲). هستی‌شناسی فرهنگی آیت‌ا... مطهری، دو فصل‌نامه علمی - پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال دوم: ۱.
۱۰. خرم‌آبادی، یدالله و ملکی، سکینه. (۱۳۹۳). ارزش‌شناسی و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه شهید مطهری (ره)، مقاله، فصل‌نامه‌ی ارزش‌شناسی و آموزش، سال اول: شماره‌ی ۲.
۱۱. خضری‌شولایی‌فر، مریم. (۱۳۹۵). روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی با تکیه بر دیدگاه استاد مطهری، مقاله، سال اول: شماره ۴.
۱۲. رشیدی، شیرین. (۱۳۹۶). طراحی الگوی تربیت عقلانی بر مبنای قرآن کریم از منظر تبیین بنیان‌های معرفت‌شناختی آن، رساله‌ی دکترا، چاپ نشده، دانشگاه خوارزمی.
۱۳. سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش.
۱۴. شمشیری، بابک و دوستداری، اعظم. (۱۳۸۹). تبیین دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن، مقاله چاپ شده، شیراز، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و مطالعات اسلامی در علوم رفتاری.
۱۵. صاحبکار، علی‌رضا. (۱۳۸۸). بررسی نظریه‌ی انسان‌شناسی شهید مطهری و دلالت‌های آن در حوزه‌ی تربیت اخلاق، پایان‌نامه‌ی چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
۱۶. صالحی، اکبر و همکاران. (۱۳۹۴). نگاهی جامع به تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری با تأکید بر اصول، اهداف و روش‌های تربیتی، فصل‌نامه‌ی پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی: شماره‌ی ۲۵
۱۷. محبی، عظیم و همکاران. (۱۳۹۴). مدرسه در آینه‌ی تعالی. تهران، معین.

۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). گفتارهای معنوی، قم: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). شرح مبسوط حکمت ۴، ۱۴، جلد ۲ و ۳، قم: صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). اصول تربیت در دوران کودکی، تهران: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). انسان کامل، تهران: صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). فلسفه‌ی اخلاق، تهران: صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). اسلام و مقتضیات زمان، قم: صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). انسان در قرآن، قم: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). ارزش‌شناخت آزادی، مجله‌ی پگاه حوزه، ش: ۱۲۹.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). خدا در زندگی انسان، تهران: صدرا.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). انسان و سرنوشت، تهران: صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). انسان و ایمان، تهران: صدرا.
۳۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). مجموعه‌ی گفتارها، تهران: صدرا.
۳۱. ملکی، سکینه. (۱۳۹۴). بررسی مفاهیم انسان‌شناسی: هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی از دیدگاه شهید مطهری، پایان‌نامه، دانشگاه پیام نور، مرکز همدان.

32. www.motahari.ir



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی